

آینه

مباحثات

مداخلات خارجی در بستر ضعف داخلی

● **محمد توسلی، دبیرکل نهضت آزادی...** به اعتقاد نگارنده، مداخلات آمریکا و دیگر کشورها در نقاط ضعف و وضعیت داخلی جامعه ریشه دارد. جامعه‌ای که انسجام کافی نداشته باشد، زمینه‌های مداخله‌جویی بیگانگان را فراهم کرده است. هر زمانی که کشور ما، شرایط پایدارتری داشته و انسجام ملی در آن حاکم بوده، به همان نسبت صدای مداخله‌جویان خارجی هم خفیف‌تر بوده است. بنابراین طبیعی است که آمریکا و انگلیس یا هر کشور دیگری به‌دنبال منافع ملی از طریق مداخله در ایران یا در منطقه باشند. همه کشورها به‌طور طبیعی به‌دنبال منافع ملی خود هستند و ایران هم باید به همین‌گونه رفتار کند. نیاز منافع ملی ما این است که بتوانیم در کشور حاکمیت ملی داشته باشیم و مردم بر سرنوشت خود حاکم باشند. تا زمانی که اصول قانون اساسی شامل فصول سوم، پنجم و هفتم به‌ویژه اصل ۵۶ بر کشور حاکم نشود ما با تهدید مداخلات خارجی مواجه هستیم، نگارنده همیشه روی این مثال تأکید کرده است که دست استیلا ی بیگانگان همواره از آستین استبداد در داخل و عدم انسجام داخلی خارج شده است. استبداد زمانی است که حاکمیت ملی وجود ندارد و ملت بر سرنوشت خود حاکم نیست. بنابراین ما بیش از آنکه توجه خود را به مسائل خارجی معطوف کنیم باید به‌طور واقع‌بینانه تمام نیروی خود را صرف اجرای قانون اساسی و بازگشت به اصول قانون اساسی، به‌ویژه اصل ۵۶ قانون اساسی، یعنی تأمین حقوق شهروندی، آزادی‌های قانونی و حاکمیت ملت کنیم.

کیم

کمی هم آمریکایی باشید!

● **حسین شرعتمداری...** ماهیت استکباری حاکمیت در آمریکا نیز از اهمیت اجرای این قانون نمی‌کاهد، چراکه قانون تعارض منافع یکی از لوازم ضروری و نیاز حیاتی برای تداوم حاکمیت است و ضرورت آن برای نظام‌های حکومتی عدالت‌خواه و استکباری یکسان است! دقیقاً مانند بنزین که برای حرکت خودرو ضروری است و فرقی نمی‌کند که از این خودرو برای کمک به محرومان و خدمت به خلق خدا بهره می‌گیرند و یا آن را در راهی ناصواب به کار گرفته و برای سرقط و جنایت از آن استفاده می‌کنند! اکنون تصور کنید که اگر همین قانون در جمهوری اسلامی به اجرا درمی‌آمد و مراکز اطلاعاتی و نظارتی بر اجرای دقیق آن نظارت می‌کردند، آیا بخش قابل‌توجهی از هنجارهای اقتصادی فرصت بروز پیدا می‌کرد؟! پاسخ بدون کمترین تردیدی منفی است. وقتی فلان وزیر صاحب ده‌ها شرکت خصوصی است، و یا فلان مسئول در دولت و یا سایر مراکز نظام در کنار مسئولیت خود به این یا آن کار تجاری مشغول است و با بهره‌گیری از «راست موقعیت شغلی» و «راست اطلاعاتی» در کار واردات و صادرات فعال است و... چگونه می‌توان انتظار بهبود شرایط را داشت؟! باز هم تصور کنید که اگر در کشور ما نیز مانند برخی دیگر از کشورها، ممنوعیت مسئولان و فرزندان آنها از فعالیت‌های اقتصادی به قانون تبدیل می‌شد و دستگاه‌های اطلاعاتی و نظارتی با حساسیت بر اجرای آن نظارت می‌کردند، اینگونه اتفاقات پلشت رخ می‌داد؟! از کسانی که عقربه قطب‌نمای خود را روی آمریکا تنظیم کرده‌اند این پرسش در میان است که چرا در نمونه‌های مورد اشاره از آمریکا تقلید نمی‌کنند؟! کاش در این زمینه هم کمی آمریکایی بودید!

ایران

طرح تحول سلامت تغییر نمی‌کرد

● **در گفت‌وگو با قاضی زاده‌هاشمی:** بعضی از بخش‌ها [طرح تحول سلامت] بایستی صرفه‌جویی بشود... به‌هرحال چه طرح تحول سلامت بود و چه نمی‌بود بایستی هزینه‌ها کنترل می‌شد... الان چند ماهی است که بیمه سلامت زیرجموعه وزارت بهداشت شده و با همکاری تأمین اجتماعی نزدیک به ده میلیون نفر که روی آمریکا تنظیم کرده‌اند دفترچه‌های‌شان حذف شده است... در فضای رسانه‌ای اعلام کردند که این طرح حساب‌شده نبود، پول‌ها را به پزشکان دادند، تعرفه‌ها را زیاد کردند و... درحالی‌که همه اینها حساب‌شده بود ولی در اجرا درست عمل نشد. حالا داریم به آن عددی که روز اول اعلام کردیم برمی‌گردیم. باید به میان چهار تا پنج میلیون نفر برمی‌گردیم و بقیه حق بیمه‌شان را پرداخت کنند... در این قضیه سازمان برنامه‌بودوچه تقصیر داشت، وزارت رفاه تقصیر داشت و درین‌حال وزارت بهداشت هم مقصر بود... اختلاف شخصی نیست، بلکه اختلاف مبنایی است. در قانون آمده یک‌سوم درآمد تأمین اجتماعی بایستی خرج درمان کارکنان شود. ما دمییم هستیم نمی‌خواهد این پول شفاف شود. در قانون دوبر پشت‌سرهم مجلس تصویب کرده، رئیس‌جمهوری نوشته‌اند هنوز هم اتفاقی نیفتاده. خیلی در فضای رسانه ظلم شد، رسانه‌هایی که مرتبط با دوستان بودند در حق ما ظلم کردند. بنابر صحت کذب... در مورد استیضاح وزیر محترم کار آن چیزی که اتفاق افتاد متأسفانه سقوط اخلاقی بود که همه شاهدش بودند. بعد از آن هم نه کسی از من پرسیده که وزیر رفاه چه کسی باشد؟ نه می‌دانم چه کسی نباست باشد و نه برخلاف ادعایی که می‌شود سرپرستش چه کسی باشد.

politics@sharghdaily.ir

● **به نظر می‌رسد شما بیشتر به حوزه تخصصی خودتان علاقه‌مند هستید.** در سال ۹۲ کمی سیاسی‌تر شدید. آمدن در دولت کمی طبیعی‌تر بود. به نظر می‌خیلی علاقه‌مند به فعالیت در سیاست نیستید.

من با بعضی از دوستان که سابقه سیاسی طولانی‌مدت در جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب دارند، آشنایی دیرینه دارم. چون از زمان دانشجویی فعالیت سیاسی و اجتماعی داشته‌ام و در تشکل‌های دانشجویی بوده‌ام.

● **دانشجویان پزشکی همیشه غیرسیاسی‌ترین دانشجویان هستند.**

بله، ولی من همیشه در بطن این ماجراها بودم. وقتی جامعه اسلامی دانشجویان در حال شکل‌گرفتن بود، به خاطر اینکه آن زمان دفتر تحکیم وحدت بود، صحبت شده بود که ما یگانه تشکل دانشجویی هستیم. مثلاً ما در شیراز را می‌خواستیم بگوییم نمی‌خواهیم با شما کار کنیم، ما را به کمیته انضباطی معرفی می‌کردند و می‌گفتند اینها می‌خواهند کار غیرقانونی انجام دهند. حضور من همیشه در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی بنا بر فهمم از ضروریات زمان بوده به این خاطر هم عرض کردم با خیلی از سردمداران کنونی اصلاح‌طلب و اصولگرا، مراده و وفاق داشتم. همیشه هم می‌گفتم من با شما فرق دارم، شغل شما، کار سیاسی است. آن زمان من دانشجو بودم، بعد هم استاد دانشگاه بودم و طبابت می‌کردم. شغل من کار سیاسی نبود؛ اگر هم جایی وارد شدم خیال کردم به وظیفه‌ای که زمین مانده عمل می‌کنم. متأسفم که فضای سیاسی کشور ما فضایی قبیله‌ای است. برای من خیلی جای تأسف دارد. افرادی که با هم کاری را شروع می‌کنند و ۲۰، ۱۰ سال در یک جرگه سیاسی هستند، مبنایشان حق‌طلبی و توجه به منافع ملی نمی‌شود. اگر امر دایر بر این شود که از رفیق خودشان حمایت کنند یا از منافع ملی، دیده‌ام خیلی‌ها متأسفانه به سمت قبیله‌گرایی و رفیق‌بازی خودشان می‌روند.

● **این امر باعث شد که شما به سمت شغل خودتان برگردید؟**

این اتفاقات باعث شد بیشتر مطمئن باشم که کار سیاسی کار خوبی نیست؛ به این معنا که شغل یک نفر صرفاً فعالیت سیاسی باشد. مرحوم آقای پرورش که شخصیتی سیاسی، اخلاقی و اجرایی بود و وزیر آموزش‌وپرورش و در دولت‌های اول انقلاب شخصیت بسیار محترمی بود، سفارش می‌کردند که این مسئولیت‌ها و فعالیت‌های سیاسی مثل شخصی است که به حجام رفته و لنگش و دروش بسته باشد، بعد لنگ را باز می‌کنند. اگر شما زیر لنگ برای خودتان ستر عورت فراهم نکرده باشید، آبرویان می‌رود. متأسفانه کسانی که فعالیت سیاسی تمام زندگی‌شان می‌شود، از ترس اینکه این لنگ باز نشود، گاهی کارهای عجیبی را مرتکب می‌شوند.

● **متوجه هستم که طبیعتاً یک پزشک کاربلد وزیر بهداشت شود، چون کاری تخصصی است اما اینکه یک پزشک تصمیم داشته باشد رئیس‌جمهور شود، کمی غیرمعمول است. در دنیا تا جایی که اطلاع دارم چنین اتفاقی را شاهد نوده‌ایم.**

در دنیا پزشکان جزء گروه‌های خیلی سیاسی بوده‌اند. هم پزشکان خیلی بد سیاسی داشتیم؛ مثل رئیس‌جمهور قبلی الهانی که متخصص قلب بود و یک فرد دیکتاتور بسیار بد در مقام سیاسی بود و به‌خاطر سابقه طبابتی که داشت، بعد از فروپاشی کمونیستی مورد اقبال مردم قرار گرفت. آقای هاشمیر محمد هم یک پزشک عمومی است و با وجهه پزشکی‌شان اعتماد عمومی را کسب کرده‌اند. موارد زیادی داریم.

● **اجازه دهید با شما مخالفت کنم.**

اگر رده‌های نماینده مجلس، وزراء، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیرها را در نظر بگیریم، نسبت به سایر مشاغل، اطبا حضور جدی‌تری دارند. دلایش هم این است؛ پروفیسور ویرشو شخصیتی در آلمان قرن نوزدهم است که جلوی بیسمارک می‌ایستد، پزشک خیلی حادقی است و خیلی هم دانشمند بوده. در قرن بیستم یکم بعضی از چیزهایی که ما می‌گوییم از ادبیات ویرشو است. ایشان آن‌قدر عالمانه صحبت کرده که بعد از یک‌قرن‌ونیم، هنوز حرف‌های ایشان را قبول داریم. مثلاً سه‌گانه ویرشو در انعقاد خون، با غده لنفوی ویرشو. اما با بیسمارک اختلاف داشته و مدت‌ها به زندان افتاده است. ایشان می‌گوید پزشکان دادستان‌های طبیعی جامعه هستند. چون معمولاً پیامدهای مشکلات اجتماعی به اینها مراجعه می‌کند. یکی از سو-تغذیه می‌گوید، یکی به عفونت، ایدز و هپاتیت مبتلا می‌شود، اینها پیامدهای اجتماعی است و این‌طور نیست که یک نفر به‌خاطر یک ویروس مبتلا به ایدز شده باشد، ایدز وقتی رخ می‌دهد، به دلیل اتفاقاتی است که باعث شده رخ دهد. این عبارت ایشان باعث می‌شود اطبایی که نگاهشان فقط نگاه تخصصی خودشان نیست، به ریشه بیماری‌ها فکر کنند، معمولاً در عرضه اجتماعی هم فعال می‌شوند.

● **مسئله من این است چگونه از فردی که تصمیم داشت در سال ۹۲ رئیس‌جمهور شود، پنج سال است که شاهد هیچ فعالیت سیاسی‌ای نیستیم؟** چون ضرورتی ندارد. اگر بینم ضرورتی دارد این کار را خواهیم کرد.

● **سال ۹۲ فیم من این بود که ما با مشکلی روبه‌رو می‌شویم که دولت دهم در برخی مواضعش دچار گردش‌هایی شود که برای من قابل‌قبول نبود و نمی‌پذیرفتم.** برخی سیاست‌ها را هم در برابر موج دوم تحریم‌ها اتخاذ کردند که به نظر سیاست‌های درستی نبود. یکی از مهم‌ترین موارد این بود که برای اینکه از آن موج بگذرند (مشابه همین اتفاق تلخی که با بعد

سیاست

لنکرانی در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

مردم از سیاست‌مداران ناامید شده‌اند



تصویر: سید کامران باقری

تی: تانگ شرق

شرق: کامران باقری لنکرانی، وزیر بهداشت دولت اول محمود احمدی‌نژاد، پنج‌سالی است که از سیاست دور است؛ با اینکه احمدی‌نژاد قبولش داشت، او را از کابینه کنار گذاشت تا مرضیه وحیدستجردی اولین وزیر زن جمهوری اسلامی لقب بگیرد. از سال ۸۸ تا ۹۲ لنکرانی نقش پررنگی در سیاست نداشت. او به مدت دو سال یعنی از ۹۰ تا پایان دولت دهم احمدی‌نژاد نیز سخنگوی جبهه پایداری انقلاب اسلامی بود. سال ۹۲ کاندیداتوری لنکرانی برای ریاست‌جمهوری نام او را دوباره در عرصه سیاست مطرح کرد. همان زمان آیت‌الله مصباح‌یزدی در حمایت از او گفت که من در پیشگاه الهی شهادت می‌دهم در بین کسانی که در یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری کاندیدا شده‌اند. جناب آقای دکتر لنکرانی اصلح هستند و امیدوارم که این شهادت برگ زرینی در کارنامه ۸۰ساله من باشد. درحالی‌که کاندیداتوری لنکرانی برای ریاست‌جمهوری جدی به نظر می‌رسید، ناگهان در آستانه اعلام نامزدهای تأییدصلاحیت‌شده از سوی شورای نگهبان از نامزدی خود انصراف داد و اعلام کرد که در انتخابات از سعید جلیلی حمایت می‌کند. لنکرانی می‌گوید که از آن زمان تا به حال دیگر ضرورتی برای فعالیت‌سیاسی احساس نکرده است. او دلایل این کناره‌گیری را قبیله‌ای‌شدن فضای سیاسی کشور می‌داند. در ادامه گفت‌وگوی «شرق» را با سیدکامران باقری لنکرانی می‌خوانید.

می‌افتمد، با افزایش نق‌دینگی و کاهش ارزش پول ملی

رفع بحران کنند. در آن زمان به خیلی از افراد که تصور می‌کردم می‌توانند برای مقابله با این موضوع مؤثر باشند

براجعه و خواهش کردم که وارد میدان شوند. بعضی گفتند نمی‌ایسم و بعضی گفتند خودت باید بروی چون احتمال موفقیت تو بیشتر است. حضور من در آن زمان به صورت داوطلبانه به آن معنا نبود که خودم برای خودم طرفدار کسب کنم. بعد هم متوجه شدم حضورم مؤثر نیست...

● **شما جزء وزرای خوشنام دوره اول آقای احمدی‌نژاد هستید، ولی چرخش عجیب‌وغریب شما و اینکه نماینده آقای مصباح را نظر می‌رسیدید. شاید این‌طور نبود اما جامعه این‌طور برداشت کرد؛ یعنی حتی اگر شرکت هم می‌کردید برداشت جامعه این بود که شما نماینده تیپ فکری آقای مصباح هستید- اتفاق افتاد.**

زمانی که متوجه شدم افراد دیگری وارد میدان شده‌اند می‌تواندم موفق ش‌وند و من هم در این چالش ممکن است تأیید شوم یا نه و مانندمن حتی اگر تأیید شوم یک نوع رقابت درون‌گفتمانی را به وجود می‌آورد، برای خودم تکلیفی ندیدم که بمانم. درباره آیت‌الله مصباح، به نظر من با یک ناشناختگی روبه‌رو هستیم. اکنون اگر از خیلی‌ها بپرسند آقای مصباح نظرش درباره رای مردم چیست؟ می‌گویند ایشان مخالف رای مردم است، قائل به رای مردم نیست. درصورتی‌که کسانی که با ایشان آشنا هستند، می‌دانند در درس اخلاقی که ایشان چهارشنبه‌ها در قم برگزار می‌کنند (ماه مبارک رمضان هر شب برگزار می‌کردند) بخشی از این مطالب همان‌جا بحث شد. اشکال آیت‌الله مصباح این است که فرد سیاست‌بازی نیستند، ملاحظه این را که این حرفشان طرفدار دارد یا نه، نمی‌کنند. ایشان جایی که بر اساس فهم خودشان به‌عنوان یک فرد دینی احساس کنند کار خطایی صورت می‌گیرد، نظر خودشان را مطرح می‌کنند. این خصوصیت ایشان باعث شده دشمنان متعددی داشته باشند اما آنچه آیت‌الله مطرح می‌کنند که الان خوشبختانه مجموعه آثار ایشان چاپ شده است، با تصویری که خیلی‌ها از ایشان ارائه می‌دهند خیلی متفاوت است.

● **سؤال من از شما این است که شما نماینده تیپ فکری آقای مصباح بودید؟**

عرض می‌کنم که شناخت من از ایشان این است که یکی از معدود شخصیت‌هایی است که توفیق شاگردی شخصیت عارفی مثل مرحوم آیت‌الله بهجت را داشته‌اند که در تاریخ معاصر ما شخصیت خاصی هستند؛ به‌عنوان نماینده فکری مرحوم آیت‌الله طباطبایی مشهور در نجف در ایران آن محور را راهنمایی کرده‌اند و توفیق شاگردی امام را هم داشته‌اند. اینها خصوصیت خاصی به ایشان می‌دهد که به نظر من خیلی‌ها متوجه مبانی و نکاتش نیستند و گاهی در موضع‌گیری‌های روزمره می‌خواهند آن تفکر را بشناسند. به نظر من آیت‌الله مصباح تفکری جز تفکری را که امام(ره) به‌عنوان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی داشتند، ترویج نکردند. ممکن است در سلیقه بیان یا بعضی موضع‌گیری‌های مقطعی صحبتی کرده باشند که شخص دیگری به شکل دیگری گفته باشد یا مبانی دیگری را قرار داشته باشد. اما اصل مبنا همین است و به همین خصوصیت ایشان برمی‌گردد که شاگرد این دو بزرگوار بوده‌اند. ایشان به من فرمودند اصل اینکه در اوایل حدود ۴۰ حضور سیاسی پیدا کردند، به ما از نظر عقیده بود که طلیه آقای بهجت بودند؛ برخلاف آنچه در ذهن خیلی‌ها هست که شخصی مثل آیت‌الله بهجت باید بگویند شما کار سیاسی نکنید. ایشان به ما گفتند شما نیستید و شاه دارد این کارها را می‌کند و نمی‌خواهید هیچ کاری نکنید؛ بار اول آیت‌الله بهجت ایشان را نزد اسام راهنمایی کرده بودند و امام آقای مصباح را با بعد خارجی کند. اول شناسنامه‌اش را درمی‌آوردن. می‌گویند

این که موضع‌گیری کرده اصولگراست یا اصلاح‌طلب. از هر طرف که باشد اگر موضع نقد به سیاست خارجی فعلی داشته باشد و اصلاح‌طلب باشد، اصلاح‌طلب‌ها می‌گویند نقاط ضعف دولت را گفته و می‌خواسته دولت را تقویت کند. اما اصلاح‌طلب‌ها اگر ببینند یک اصولگرا این حرف را زده می‌گویند چوب لای چرخ دولت می‌گذارند و دولت را می‌کوبند و... کم‌اینکه الان بر سر شایعه استعفای آقای جهانگیری که امیدوارم کذب باشد، شروع‌هم از یکی از نشریات اصلاح‌طلب بود، یکی از مسئولان دولتی گفته این کار جناح رقیب است که این شایعه را گفته. طرف دیگر هم می‌گوید کار خودشان است که بازار گرمی کنند. من با این فضای نامناسب حضور سیاسی مشکل دارم. فضایی که به ما فهمیم، مبانی و اصل حق بیردازند، نیست. باید دقت کنند گوینده چه می‌گوید نه اینکه ببینند چه کسی آن حرف را می‌گوید. فضا، فضایی است که قبیله‌گرایی در آن حاکم است.

● **دوره‌ای بود که جامعه تصور می‌کرد بین اصولگرا و اصلاح‌طلب است و چاره‌ای ندارد اما الان انگار در حال عبور از این دوگانگی است.**

من هم همین نظر را دارم.

● **نمی‌توانیم منکر شویم گرایش‌های خارج و کلیت نظام مغا‌طبان زیادی پیدا کرده و نسبت به چند سال قبل تقویت شده.**

این هم یکی از آفت‌هاست.

● **وقتی شاهد اعتراضات دی‌ماه بودید، نگاه شما چگونه است. اصلاح‌طلب‌ها معتقد هستند اصلاح‌طلبی باید اصلاح شود. به نظراتان شاهد ناامیدی بخشی از مردم هستیم یا خیر. آیا شاهد عبور از این دوگانگی هستیم؟ متأسفانه گاهی نگاه‌ها به سمت خارج از کشور رفته است.**

زمانی در مورد تک‌تک آسیب‌های موجود صحبت می‌کنیم. اخیراً تحقیقی کردیم که متأسفانه تمایل به مهاجرت زیاد شده. در وزارت خودمان تحقیقی که از سال ۸۴ تا ۸۷ داشتیم تمایل به مهاجرت در بین نخبگان در حوزه سلامت کم شد. الان به‌عنوان کسی که کار دانشگاهی می‌کند تحقیقی داشته‌ام و متأسفانه تمایل به مهاجرت زیاد شده که یک آسیب است. اینکه بگوییم نگاه‌های ساتناژشکنا‌هم و براندازانه تقویت‌شده را انکار نمی‌کنیم. من این توفیق را دارم که به‌عنوان پزشک در درمانگاهی‌کار می‌کنم ۵۰ درصد بیمارانی که ویزیت می‌کنم مربوط به دهک‌های پنجم به پایین هستند. برداشت من این‌طور نیست که مردم به کلی ناامید شده‌اند و هیچ جای اصلاحی نمی‌بینند ولی می‌بینم که از سیاست‌مداران ناامید شده‌اند. در چند ماه اخیر هم کسانی که به روحانی رای داده بودند این وضعیت را نمی‌پسندند. اما اینکه نظام جمهوری اسلامی را نظام ابتری بدانند که نتوانند مشککش را حل کنند این‌طور نیست.

● **جناح اصولگرا عادت دارد به محض بروز مشکل، مشکل را به قوه مجریه ربط می‌دهد.**

خبر این‌طور نیست. مردم که اصلاً تفکیک نمی‌کنند. کسانی که ما می‌بینیم مجلس و قوه مجریه و قضائی و شهرداری را یکی می‌بینند و تحت نام حاکمیت می‌دانند. این تحلیل اشتباه است. اتفاقاً به دوستانی که نماینده مجلس هستند عرض این است که تقصیر شما به‌امرتب از مقوه مجریه بالاتر است چون مجلس وظیفه نظارت دارد. در بحث تغییر و تحول سلامت، خودشان هم گاهی منتقد هستند، من می‌گویم شما منتقد هستید، من هم که کارهای ایستسم، شما نماینده مجلس هستید و وظیفه‌تان نظارت بهنگام است. قبل از اینکه اتفاق تلخی بیفتد، ۱۳هزارمیلیارد تومان بدهی به وجود بیاید و بگویند نمی‌توانیم بودجه را تأمین کنیم. باید به‌موقع هشدار می‌دادید. از این بدتر همین که شما گفتید، یعنی مسئول یک کاری به‌جای اینکه بگوید می‌خواهم این کار را درست کنم می‌گوید کار روی هواست، خب تو مسئول هستی و باید جوابگو باشی اما خودش منتقد است. اینها تلخی‌هایی است که سیاست‌مداری را زشت می‌کند. کسی که چنین رفتاری را از خودش نشان می‌دهد یعنی خودم و آبرویم برایم مهم است. اگر اشتباه کنم گردن بقیه می‌اندام. این است که سیاست‌مداری را تبدیل به سیاست‌بازی می‌کند.

● **چرا این نگاه در جناح اصولگرا تقویت نمی‌شود؟ بعد از دی‌ماه جناح اصلاح‌طلب می‌گوید ما می‌خواهیم راهکارمان را تغییر دهیم. جناح اصولگرا هم تقریباً همین را می‌گوید. علاقه‌مند نیستیم نیت خیرخواهانه را خیلی منکوب کنم. اما همین که به این فکر افتاده‌اند که کار قبلی جواب نمی‌دهد و باید کار جدیدی انجام دهند به نوعی شناخت نقطه ضعف است.**

● **چمن‌ا‌حالت شیخ‌وخویت داشت و الان جامعه از این داستان عبور می‌کند.**

افرادی که هیئت مؤسس چمن‌ا بودند ویژگی‌شان این بود که سران دسته‌ها نبودند که نکته مثبتی بود. نکته مثبت دیگر اینکه از شهرستان‌ها و حتی نقاط دوردست، مثلاً یادم است با من تماس گرفتند که می‌خواهیم به تو در جلسه چمن‌ا رای دهیم که کاندیدا شوی. گفتیم چنین تصمیمی ندارم. همین که چنین تفکری شد که یک مجمع عمومی پیش بیاید و نمایندگان شهرتمان تأیید مثل تهران شرکت کنند...

● **به نظر نمی‌آید که تشکلی بود که می‌خواست آقای رئیس‌ا را معرفی کند؟**

داستان انتخابات نکات درس‌آموزی از هر جهت دارد. بار اول در اسفند ۹۵ آقای رئیسی خودش هم اطمینان نداشت که می‌خواهد کاندیدا شود.

● **من چنین نظری ندارم.**

من خبر دارم که می‌گویم. اما درست است که چمن‌ا نهایتاً به سمت ایشان بود.

خبر

ظریف: اروپا هنوز

برای هزینه‌کردن آماده نشده‌است

● **باشگاه خبرنگاران:** وزیر امور خارجه ایران گفت: اراده سیاسی اروپا زمانی قابلیت پاسخ‌گویی از جانب ایران را پیدا می‌کند که با اقدامات اجرایی همراه شود. محمدجواد ظریف با اشاره به آخرین وضعیت اقدامات اروپا به منظور حفظ برجام و مقابله با تحریم‌های آمریکا گفت: اروپایی‌ها برخی اقدامات عملی، از جمله اجرایی‌کردن مقررات مسدودکننده و مجوز بانک سرمایه‌گذاری اروپا را انجام داده‌اند. رئیس دستگاه دیپلماسی تصریح کرد: از نگاه ما این اقدامات بیش از آنکه اقدام عملیانی باشد اعلام موضع است، هرچند آنها حرکت رو به جلو داشته‌اند. اما اعتقاد ما این است که اروپا هنوز برای هزینه‌کردن آماده نشده است. ظریف با بیان اینکه اروپایی‌ها تاکنون در ظاهر و در گفتار اراده سیاسی خود را نشان داده‌اند، تأکید کرد: اراده سیاسی اروپا زمانی قابلیت پاسخ‌گویی از جانب ایران را پیدا می‌کند که با اقدامات اجرایی همراه شود؛ اروپایی‌ها می‌گویند برجام برای آنها دستاوردی امنیتی است، طبیعی است که هر کشوری باید برای امنیت خودش سرمایه‌گذاری و هزینه کند و این هزینه‌کردن را ما باید در همین ماه‌های آینده ببینیم.

ادامه از صفحه ۳

تروریسم و تحریم ایران

طبق برآوردها بین ۱۵ تا ۲۰ هزار عضو داعش در شامات و عراق همچنان متفوق اند. گزارش‌های دیگر از شکل‌گیری کانون‌های جدید داعش در افغانستان، یمن و آسیای مرکزی حکایت دارند. دست‌کم در یمن، به دنبال تداوم بن‌بست در جنگ نیروهای ائتلاف تحت هدایت عربستان سعودی و انصارالله، القاعده توانسته از خلا موجود و سرگرم‌بودن همه طرف‌ها، هراتچه را برای تجدید قوای خود لازم دارد مهیا کند. در صورتی که تحریم‌ها تأثیری بر حمایت‌های ضروری ایران از حزب‌الله بر جای بگذارد، جبهه النصره به عنوان قدرتمندترین بازوی افراطی‌گری باقی‌مانده در شامات، در مدت زمانی نه چندان طولانی، سوریه، لبنان و فراوسای آن را به طور جدی تهدید خواهد کرد. گذشته از این، تضعیف ایران در موازنه‌های منطقه‌ای بر اثر تحریم‌ها، یک بار دیگر عربستان سعودی را در رأس حامیان تروریسم در جهان به صدر خواهد کشید؛ عربستان سعودی با وجود شعارهای نوگرایانه، هنوز نقش بی‌مانندی در توسعه وهابیس‌م از کوزوو تا اندونزی برعهده دارد. همان‌طور که ویکی‌لیکس از مکاتبات هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده فاش کرد: «مهم‌ترین تأمین مالی برای گروه‌های تروریستی سنی در سراسر جهان است». دونالد ترامپ پیش از آنکه گرفتار لابی سعودی و معاملات میلیاردي با عربستان سعودی شود، در کتاب «زمان سرسخت‌بودن» که در سال ۲۰۱۵ به انتشار رساند، اقرار کرده بود که «عربستان سعودی بزرگ‌ترین تأمین‌کننده تروریسم در سراسر جهان است. این کشور در حالی که برای امنیت خود به ما متکی است، پول‌های پتر و دلار ما را روی تروریست‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کند که قصد کشتن مردم ما را دارند». ایالات متحده نباید آن‌قدر ساده‌لوح باشد که استدلال شاهزاده جوان مبنی بر اینکه ریشه حمایت عربستان سعودی از گروه‌های تروریستی را مقابله با انقلاب ایران معرفی کرده بود، بپذیرد. چگونه ممکن است عربستان سعودی به‌خاطر مقابله با انقلاب ایران، تصمیم گرفته باشد که آموزش ۱۵ شهروند خود را برای ربودن و کوبیدن هواییما‌ها به برج‌های دوقلو و قتل‌عام سه هزار آمریکایی تسهیل کند؟! این آخرین دلیل‌ی نیست که تحریم ایران به رشد دوباره تروریسم در جهان کمک خواهد کرد. ایران نمی‌تواند به‌خاطر می‌مسئولیتی ایالات متحده در درک ضرورت مشارکت ایران در مبارزه با تروریسم، تسلیم تحریم‌های آمریکا شده و این نبرد را در شرایطی که تا پیروزی کامل راهی باقی نمانده، رها کند و ایرانیان را یک بار دیگر در معرض خشونت‌های تروریستی قرار دهد. می‌توان انتظار داشت که با ادامه حمایت‌های ایران از جبهه مقابله با تروریسم در حالی که باید توانایی مالی کمتر برای حمایت از آنها را با اقدامات هم‌سنگ دیگری جبران کند، متحده‌عرب آمریکا حجم حمایت‌های خود را از گروه‌های سنی افراطی به بهانه مبارزه با نفوذ ایران کاهش بدهند. در نظرگرفتن استعداد بازاییبی قدرت و نفوذ این گروه‌های نیمه‌شکست‌خورده در کشورهایی که در برابر تجمع و سازماندهی آنها آسیب‌پذیرند، ایالات متحده باید آماده باشد بسیاری از این گروه‌های تروریستی را که به لطف حمایت متحدهان عربش در حال تجدید قوا برای گسترش نفوذشان غربی هستند، متحده کند. این خطرات می‌تواند چنان آتیشنه و گسترده شود که لازم باشد برای مقابله با آنها، رای‌دهندگان آمریکایی میلیاردها دلار دیگر را برای اعزام سربازان‌شان به منظور دفع این تهدیدات هدر دهند. برای ایالات متحده بهتر است که به‌جای افتادن در این دور باطل، نقش ایران در مبارزه با خشن‌ترین شکل تروریسم را در سال‌های اخیر به رسمیت بشناسد و به تحریم‌ها علیه ایران که می‌تواند با جان‌دادن دوباره به خشونت‌طلبی، حیات ملت‌ها را در مقیاس بزرگ به خطر بیندازد، پایان دهد.

◉ **مدیر برنامه مطالعات جهانی**

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری